

نشاط و تاب آوری

ضرورت همیشگی حرفه‌ی معلمی

صادق صادق‌پور

مدیرکل آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش
و عضو شورای کارشناسی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی



می‌گذرد و به‌کارگیری آن تجارب و قدر دانستن ظرفیت‌های موجود معلمی در کشورمان بی‌فایده نباشد.

اخیراً و در سفری که معلم پرتلاش و شایسته آقای دکتر محمدرضا سرکارآرانی به ایران داشتند، برای رفتن به برخی شهرها و ایراد سخنرانی با وی همراه شدیم.

محمدرضا سرکارآرانی در سال ۱۳۶۲ در تربیت معلم کاشان پذیرفته شد و قرار بود که معلم تعلیمات دینی بشود. زمانی که کنکور برگزار شد و در فاصله‌ی زمانی تا اعلام نتایج آن در مدرسه‌ای ابتدایی در شهرستان آران و بیدگل مربی تربیتی شد. او می‌گفت: در کنکور سال ۱۳۶۲ در دانشگاه شهیدبهبشتی با رتبه‌ی ۳۶ و در رشته‌ی علوم تربیتی (یعنی اولین رشته‌ای که انتخاب کرده بودم و اولین دانشگاه انتخابی) قبول شدم. من در اساس معلمی را دوست می‌داشتم، به این دلیل که می‌توانست فرصت یادگیری هر روزه را برایم فراهم آورد.

در کارنامه‌ی علمی و فرهنگی ایشان سوابقی چون مربی مدرسه‌ی ابتدایی، مربی دانشگاه کاشان، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی، استاد وابسته، استاد مدعو دانشگاه ناگویا و مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات فرهنگی ژاپن، پژوهشگر مدعو دانشگاه آکسفورد و دانشیار دانشگاه تیکو به چشم می‌خورد.

معلمی هیچگاه کار آسانی نبوده، به همین دلیل همیشه جزو کارهای مهم و اساسی تلقی شده است و در جوامع مختلف برای آن شأن و جایگاه والایی قائل بوده‌اند. نام معلم چنان با عظمت است که در جای‌جای متون اسلامی از او تجلیل شده و خداوند علیم خود را معلم خوانده است. هم‌چنین رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: «انما بعثت معلماً». امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله‌ی انبیا و آیات و حیانی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، دعوت می‌کند به عشق، دعوت می‌کند به محبت، دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. به دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آن‌ها هم شغلیشان تعلیم است، معلم‌اند، معلم بشوند».

البته که معیشت و تأمین زندگی این قشر خدمتگذار و توجه به حق و حقوق مکفی برای کار سختی که در پیش دارند باید همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران مسئول در این حوزه باشد. اگر امروزه مشکلات و سختی‌های زندگی، در دنیایی که توش و توان مادی زیادی را طلب می‌کند، همکاران عزیز ما را در تنگنا قرار می‌دهد، نباید از فراهم کردن زمینه برای کار معلمی - آن‌گونه که شایسته است - غفلت کنیم.

اما اصل کلام همان جوهره‌ی معلمی است که جان و نقش خود را از گوهر معلمی - به معنای هنری برای جان بخشیدن به روح و روان بهترین مخلوقات خداوند یعنی بچه‌ها - می‌گیرد و خاستگاه آن نیز مبارزه، سخت‌کوشی و جان بر سر پیمان نهادن برای پرورش نسلی است که باید تاب‌آوری و مقابله با مشکلات را بیاموزد و تمام توان و همت خود را برای نسلی که بدو سپرده شده‌اند، با همت بلند به کار گیرد. شاید برای تبیین بیشتر این سخن اشاره به یک هم‌نشینی و یک تجربه‌ی سفر برای بیان واقعیت‌هایی که در دیگر کشورها بر معلمان



ژاپن امروز، در رقابتی نفس گیر ساخته شد!

اما آنچه از سخنان وی در مورد معلمی در چند روز سفر و جلسات مختلف در یادمانده است، تأکید بر معلمی و سفارش بر توجه به معلمی به جای معلم است. مفهومی که در خود بر هویتی تأکید دارد که اگر درست شکل بگیرد، معلم هم نقش و جایگاه خود را پیدا خواهد کرد. وی نقل می‌کند: «وقتی که ژاپنی‌ها در دوره‌ی میجی (سال ۱۸۸۶) خواستند در یک مقطع زمانی محدود آموزش و پرورش را گسترش عمومی بدهند، مدارس را راه‌اندازی کردند که مدیر-آموزگار محور همه‌ی کارها بود. آن زمان آن‌ها نیروی انسانی کافی در اختیار نداشتند و مدیر-آموزگار باید ۸۰ تا ۱۰۰ دانش‌آموز را اداره می‌کرد. هنوز ساختار مشخص و سازمان‌حیاتی هم به معنای امروزی برای این کار وجود نداشت. این فرد صبح تا شب هزار و یک مسئله داشت که باید خودش آن را حل می‌کرد. در آن زمان کتابی در میان نبود، راهنمای تعلیماتی وجود نداشت و تازه در این کشور بعد از ۲۶۰ سال درها به روی غرب باز شده بود. خواب ژاپنی‌ها پریده بود و تازه متوجه شده بودند که چقدر عقب هستند. فرصت زیادی هم نداشتند و مسئله‌ی آن‌ها این بود که هر اندازه ممکن است بچه‌ها را از محیط خانه و کوچ به مدرسه و یا هر محیط در دسترسی که وجود داشت، بکشاند و مهارت‌های اجتماعی (کف مهارت‌ها) را به آن‌ها بیاموزند. حداقل سواد خواندن، کارکردن با چرتکه، نوشتن ابتدایی و حداقلی و مهارت‌هایی که بتوانند زیرساخت جامعه‌ی آموزشی جدید را ایجاد کنند. به گفته‌ی آقای دکتر آرانی، سیاستمدار برجسته‌ی ژاپنی «ناکاسونه» تعبیری با این عبارت دارد: «ما ژاپن امروز را در رقابتی نفس‌گیر ساخته‌ایم و نقش معلم در پیروزی و موفقیت در این رقابت نفس‌گیر بسیار تأثیرگذار بوده است.»

آنجا هم معلمان با سختی و البته علاقه‌مندی و شور تلاش می‌کردند و طرفه اینکه فضای مدارس فضایی دوست‌داشتنی و مفرح بود. در دلیل این سرزندگی معلمان می‌گفتند: «اینجا محل زندگی ما و بچه‌هاست. بنابراین، تلاش کرده‌ایم با مشارکت دانش‌آموزان و فراهم کردن اسباب آرامش و تحصیل برای آنان در کنار هم شاد و بانشاط زندگی کنیم.»

این در حالی بود که علی‌رغم پیشستازی روسیه در مطالعات بین‌المللی «تیمز» و «پرلز» در سال‌های اخیر و کسب رتبه‌های برتر، هنوز هم معلمان و کادر مدارس آنجا تلاش‌های انجام شده را کافی نمی‌دانستند. یکی از همکاران معلم هم که چند سال قبل، از یکی از مدارس مسکو (با عنوان مدرسه‌ی ۱۹۹) بازدید کرده بود نقل می‌کرد که خانم مدیر این مدرسه با ۴۲ سال سابقه‌ی مدیریت، درباره‌ی شغل معلمی می‌گفت: «معلمی بالاترین شغل است، حتی از رتبه‌ی امپراتور برتر است!»

امروز و در حالی که در روزهای مبارک گرمی داشت هفته‌ی معلم و پاسداشت خدمات صادقانه‌ی شما عزیزان مخلص و تلاشگر هستیم، ضمن تبریک این مناسبت شاید لازم نباشد که تأکید کنیم امروزه تاب‌آوری، آموزش مقابله با مشکلات و سختی‌های زندگی و البته تلاش برای زندگی بهتر و ساختن آینده‌ای روشن، تنها در گرو هنر معلمان سخت‌کوش و مسئولی است که برای ساختن این چشم‌انداز امیدآفرین سراپا شوق و تلاش هستند. امید اینکه همه‌ی ظرفیت‌های لازم از جمله تأمین معیشت این عزیزان در حد شایستگی آنان فراهم شود و بتوانیم در کنار معلمان و دانش‌آموزانی شاد، آگاه و تاب‌آور به اهداف و آرمان‌های والای نظام آموزشی کشور در آینده‌ی نزدیک دست پیدا کنیم.

تجربه‌ای دلنشین در سرزمینی سرد!

موضوع دیگر تجربه‌ای است که در سفر به روسیه و بازدید از مدارس آن کشور در شهرهای مسکو و سنت‌پترزبورگ حاصل شد.

پی‌نوشت

۱- گزارش بازدید معلمان مدرسه‌ی انرژی اتمی ایران از مدارس روسیه در نشانی <http://www.aehighschool.com>